31822 ـ روش حج

سوال

می‌خواهم روش انجام حج را به طول کامل برایم شرح دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

حج یکی از بهترین عبادات و گرامی‌ترین طاعات و از ارکان اسلام است؛ یعنی همان دینی که الله متعال محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ را برای آن مبعوث نموده و این دین بنده بدون آن کامل نمی‌شود.

عبادت بنده را به الله نزدیک نمی‌سازد و پذیرفته نمی‌شود مگر به دو شرط:

نخست: اخلاص برای الله عزوجل، یعنی مقصود بنده از انجام عبادت، خشنودی الله و به دست آوردن خانه‌ی آخرت باشد، نه ریا و خودنمایی یا بهره‌ای از دنیا.

دوم: پیروی قولی و عملی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در انجام عبادت، و پیروی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ حاصل نمی‌آید مگر با شناخت سنت ایشان.

بنابراین کسی که می‌خواهد عبادت حج یا عمره را برای خداوند متعال انجام دهد باید روش پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را در انجام آن عبادت بداند تا کارش موافق با سنت باشد.

ـ روش‌های انجام حج:

حج به سه روش انجام می‌شود: تَمَتُّع، اِفراد و قِران.

تمتع به این صورت است که در ماه‌های حج (شوال و ذوالقعده و ذوالحجه) فقط برای انجام عمره احرام نماید، و هنگامی که به مکه رسید، طواف و سعی بین صفا و مروه را انجام دهد و سپس مویش را کوتاه کند یا بتراشد و از احرامش بیرون آید. سپس در روز ترویه یعنی روز هشتم ذی الحجه فقط برای انجام حج احرام کند و همه‌ی اعمال حج را انجام دهد. بنابراین کسی که تمتع می‌کند عمره را کامل انجام می‌دهد و سپس حج را به به پایان می‌رساند.

اِفراد اینگونه است که فقط برای انجام حج احرام کند، و هنگامی که به مکه رسید طواف قدوم انجام دهد و برای حج سعی میان صفا و مروه را انجام دهد و سپس سرش را نمی‌تراشد و کوتاه نمی‌کند بلکه از احرام خود بیرون نمی‌آید و سپس در روز عید (دهم ذی الحجه) پس از رمی جمره‌ی عقبه از احرام بیرون می‌آید، و اگر سعی میان صفا و مروه را پس از طواف حج انجام دهد اشکالی ندارد.

قِران به این صورت است که برای حج و عمره با هم احرام نماید، یا آنکه اول برای عمره احرام کند سپس قبل از آنکه طواف عمره را شروع کند نیت حج را نیز به آن اضافه کند (به این صورت که نیت کند طواف و سعی او برای حج و عمره باشد).

روش کسی که به صورت قران حج می‌کند با کسی که اِفراد می‌کند یکی است، جز آنکه قارن باید قربانی کند، اما مُفرِد نیازی به قربانی ندارد.

اما در بین این سه روش، تمتع بهتر است، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به یارانش امر نمود به این صورت حج خود را انجام دهند و به آن تشویق نمودند. حتی اگر کسی به نیت افراد یا قران احرام نمود به طور موکد برایش بهتر است احرام خود را به عمره تغییر دهد، سپس از احرام بیرون آید تا حجش به تمتع تغییر یابد، حتی اگر طواف قدوم و سعی بین صفا و مروه را انجام داده باشد؛ چرا که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در سال حجة الوداع در حالی که یارانش با ایشان بودند پس از آنکه طواف و سعی را انجام دادند امر نمودند کسی که قربانی به همراه ندارد نیت احرامش را به عمره تغییر دهد و سرش را کوتاه کند و از احرام بیرون آید، و فرمود: اگر قربانی را با خود نیاورده بودم همین کاری را می‌کردم که به شما امر نمودم.

ـ احرام:

برای احرام همان سنت‌هایی را انجام می‌دهد که در سوال پیشین (درباره‌ی روش عمره) بیان نمودیم، یعنی غسل و خوش‌بویی و نماز.

آنگاه پس از پایان نماز یا پس از سوار شدن به مرکبش احرام می‌کند.

سپس اگر متمتع بود می‌گوید: لَبيكَ اللهُم بِعُمرة

و اگر قارن بود می‌گوید: لَبيكَ اللهُم بِحَجَّة وعُمرة

و اگر مُفرد بود می‌گوید: لَبيكَ اللهُمَّ حَجّاً.

سپس می‌گوید: اللهم هذه حجة لا رياء فيها ولا سمعة (خداوندا این حجی است که ریا و خودنمایی در آن نیست).

سپس همانند پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ لبیک می‌گوید، به این صورت: لبيكَ اللهم لبيك، لبيكَ لا شريكَ لكَ لبيك، إن الحمدَ والنعمةَ لك والملك لا شريكَ لك. ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ گاه به این صورت لبیک می‌گفتند: لَبيكَ إلهَ الحق و ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ در لبیک خود می‌گفت: لبيك وسعدَيك، والخيرُ بيَدَيك، والرَّغباءُ إليكَ والعمل. مردان برای گفتن لبیک صدای خود را بلند می‌کنند، اما زنان به اندازه‌ای که بغل دستی‌شان صدایشان را بشنوند لبیک می‌گویند، مگر آنکه مردی نامحرم کنار آنان باشد که در این حالت به صورت سری لبیک می‌گویند.

ـ کسی که می‌ترسد مانعی مانند بیماری یا دشمن یا زندانی شدن یا مانند آن، باعث ناتمام ماندن اعمال حجش شود، شایسته است هنگام احرام اینطور شرط کند که إن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني (اگر مانعی مرا باز داشت خارج شدنم از احرام همانجایی که است که باز بمانم) یعنی: اگر مانعی مانند بیماری یا دیر شدنی یا جز آن، باعث شد نتوانم اعمال حجم را کامل کنم، پس من همانجا از احرامم خارج خواهم شد. زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به ضباعة دختر زبیر که بیمار شد هنگامی که خواست احرام کند امر نمود تا چنین شرط کند و فرمود: برای تو نزد پروردگارت همان چیزی است که استثنا کرده‌ای به روایت بخاری (۵۰۸۹) و مسلم (۱۲۰۷). پس اگر شرط نمود و سپس چیزی رخ داد که مانع از اتمام حجش شد از احرامش بیرون می‌آید و چیزی بر وی لازم نیست.

اما کسی که از مانع یا مشکلی که باعث ناتمام ماندن اعمال حجش شود نمی‌ترسد، شایسته نیست چنین شرطی کند، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ شرط نکرده و دستور هم نداده که کسی [بدون ضرورت] شرط کند، بلکه ایشان به ضباعة بنت زبیر به سبب بیماری‌اش دستور داد شرط کند.

شایسته است که شخص مُحرِم بسیار لبیک بگوید، به ویژه هنگام تغییر اوضاع و زمان، مانند آنکه بر بلندی رود یا پایین آید یا هنگام رسیدن شب یا روز، و پس از آن از الله متعال خشنودی و بهشت او را بخواهد و از آتش جهنم به رحمت او پناه برد.

لبیک گفتن در عمره از هنگام احرام تا آغاز طواف، و در حج از هنگام احرام تا رمی جمره‌ی عقبه در روز عید مشروع است.

ـ غسل کردن برای وارد شدن به مکه:

شایسته است که هنگام نزدیک شدن به مکه اگر برایش امکان داشت غسل نماید، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ هنگام وارد شدن به مکه غسل نمودند. به روایت مسلم (۱۲۵۹).

سپس هنگامی که وارد مسجدالحرام می‌شود اول پای راستش را داخل می‌گذارد و می‌گوید: بسمِ الله والصلاةُ والسلامُ على رسولِ الله اللهمَّ اغفر لي ذنوبي وافتح لي أبوابَ رحمتِك، أعوذُ باللهِ العظيم وبوجهِهِ الكريم وبِسُلطانِهِ القديم مِنَ الشَّيطانِ

الرجیم. سپس به برای آغاز طواف به سوی حجر الاسود می‌رود... روش طواف را در پاسخ به سوال (31819) بیان کرده‌ایم.

آنگاه پس از طواف و دو رکعت نماز به محل انجام سَعی می‌رود و میان صفا و مروه سعی می‌کند. در پاسخ به سوال (31819) روش انجام سعی را بیان کرده‌ایم.

کسی که به روش تمتع حج می‌کند نخست برای عمره سعی را انجام می‌دهد. اما مُفرِد و قارِن برای حج سعی را انجام می‌دهند و می‌توانند سعی را به بعد از طواف افاضه موکول نمایند.

- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر:

شخصی که در حال حج تمتع است وقتی هفت بار سعی خود را انجام داد، اگر مرد است سر خود را می‌تراشد یا کوتاه می‌کند. تراشیدن و کوتاه کردن باید از همه‌ی سرباشد [نه قسمتی از آن]، و تراشیدن [برای مردان] بهتر از کوتاه کردن است، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای تراشندگان سه بار و برای کوتاه کنندگان یک بار دعا نمود به روایت مسلم (۱۳۰۳).

مگر آنکه وقت حج نزدیک باشد و فرصت برای رویش موی سر باقی نماند که در این صورت کوتاه کردن موی سر [برای عمره] بهتر است تا بتواند در حج آن را بتراشد، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یارانش را امر نمود تا برای عمره مویشان را کوتاه کنند، زیرا آمدن آنان به عمره صبح روز چهارم ذی الحجه بود. اما بانوان به اندازه‌ی یک بند انگشت از موی خود را کوتاه می‌کنند.

با انجام این اعمال عمره‌ی شخصی که قصد تمتع دارد انجام شده و بعد از آن کاملا از احرام بیرون می‌آید و همه‌ی کارهایی که شخص غیر محرم انجام می‌دهد را در مورد لباس و خوش بویی و زناشویی و غیره انجام می‌دهد.

مُفرد و قارن اما سر خود را کوتاه نمی‌کنند و نمی‌تراشند و از احرام بیرون نمی‌آیند، بلکه در حال احرام باقی می‌مانند تا آنکه در روز عید پس از رمی جمره‌ی عقبه سر خود را بتراشند یا کوتاه کنند.

سپس در روز ترویه یعنی روز هشتم ذی الحجه، شخص متمتع به هنگام چاشت از جایی که در مکه بوده احرام می‌کند و همان کارهایی که در احرام عمره مستحب است یعنی غسل و خوش بویی و نماز را انجام می‌دهد و و سپس نیت احرام حج می‌کند و به این صورت لبیک می‌گوید که: لَبيكَ اللهُمَّ حَجاً.

و اگر ترسید مانعی وی را از اتمام حجش باز بدارد شرط می‌کند و می‌گوید: وإن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني (اگر مانعی مرا باز داشت، خارج شدن من از احرام همانجایی است که باز داشته شده‌ام). اما اگر ترس این را نداشت، شرط نمی‌کند. همچنین مستحب است که تا شروع رمی جمره‌ی عقبه در روز عید، با صدای بلند لبیک بگوید.

- رفتن به مِنی

سپس به سوی مِنیٰ می‌رود و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را به صورت قصر می‌خواند اما آن‌ها را جمع نمی‌کند، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در منی نمازها را قصر می‌خواند و جمع نمی‌کرد. قصر یعنی: دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی. اهل مکه و دیگران نیز در منی و عرفه و مزدلفه نمازهایشان را قصر می‌کنند زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حجة الوداع با مردم نماز خواند در حالی که اهل مکه نیز با وی بودند و دستور نداد که نمازشان را کامل بخوانند، حال آنکه اگر واجب بود نمازهایشان را کامل کنند همانند سال فتح مکه به آنان دستور می‌داد. اما از آنجایی که در حال حاضر ساختمان‌های مکه گسترش یافته و مِنیٰ را در بر گرفته، انگار یکی از محله‌های مکه است، بنابراین اهل مکه در مِنیٰ نمازشان را قصر نمی‌کنند.

ـ رفتن به سوی عرفه:

هنگام طلوع خورشید روز عرفه، از منی به سوی عرفه می‌رود و در صورت توانایی تا هنگام ظهر در نمره توقف می‌کند. نمره جایی است دقیقا پیش از عرفه. اما اگر امکانش نبود اشکالی ندارد آنجا توقف نکند زیرا نزول در نمره مستحب است و واجب نیست. هنگامی که وقت نماز ظهر وارد شد نماز ظهر و عصر را به صورت قصر (دو رکعت) با یکدیگر به صورت جمع تقدیم می‌خواند (یعنی در وقت ظهر) همانطور که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ انجام دادند تا وقت بیشتری برای وقوف در عرفه و دعا باقی بماند.

با پایان نماز به ذکر و دعا و زاری به درگاه الله عزوجل می‌پردازد و هر دعایی که دوست داشت را می‌گوید و دستانش را بالا می‌برد و رو به قبله دعا می‌کند حتی اگر کوه عرفه پشت سر او باشد، زیرا سنت این است که برای دعا رو به قبله کند نه کوه، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ کنار کوه ایستادند و فرمودند: من اینجا توقف نمودم، اما همه‌ی عرفه محل توقف است.

بیشترین دعای پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در آن موقف بزرگ، این بود که می‌فرمود: لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير.

اگر دچار خستگی شد و خواست با دوستانش سخنان مفید بگوید یا به هدف تقویت امید به مطالعه‌ی کتب سودمندی بپردازد، به ویژه کتبی که به کرم و بزرگواری الله عزوجل و پاداش جزیل وی پرداخته است، کارش خوب است. سپس دوباره به تضرع به درگاه خداوند و دعا مشغول شود و فرصت پایان روزِ عرفه را غنیمت شمارد چرا که بهترین دعا، دعای روز عرفه است.

ـ رفتن به مُزدَلفه:

هنگام غروب خورشید به سوی مزدلفه حرکت می‌کند و هنگامی که به آنجا رسید مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه به

جای می‌آورد. اما اگر ترسید پس از نیمه شب به مزدلفه برسد در راه نماز را به جای می‌آورد و به تاخیر انداختن نماز تا پس از نیمه شب جایز نیست.

شب را در مزدلفه می‌ماند و با فرا رسیدن فجر نماز صبح را در اول وقتش با یک اذان و اقامه می‌خواند و به سوی مشعر الحرام می‌رود (مشعر الحرام همان جایی است که مسجد مزدلفه قرار دارد). در آنجا توحید الله و تکبیرش را می‌گوید و هر دعایی که دوست داشت می‌گوید تا وقت اِسفار شود (اسفار وقتی است پیش از طلوع خورشید که هوا کاملا روشن شده است). اما اگر نتوانست به مشعر الحرام برود در همان جا دعا می‌کند زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: من اینجا توقف نمودم ولی همه‌اش (یعنی همه‌ی مزدلفه) محل وقوف است. و در حال ذکر و دعا به سوی قبله رو می‌کند و دستانش را بلند می‌کند.

ـ رفتن به منی:

هنگامی که هوا پیش از طلوع خورشید به خوبی روشن شد به سوی مِنی می رود و در وادی محسر (دره‌ای بین مزدلفه و منی) سرعتش را بیشتر می‌کند. پس از رسیدن به منی، رمی جمره‌ی عقبه که آخرین جمره و نزدیک‌ترین آن‌ها به مکه است را با هفت سنگریزه پی در پی که تقریبا به اندازه‌ی بادام زمینی باشند انجام می‌دهد و همراه پرتاب هر سنگریزه تکبیر می‌گوید. سنت در رمی جمره‌ی عقبه این است که روبروی آن قرار گیرد به طوری که مکه در سمت چپ و منی در سمت راستش باشد. پس از پایان رمی جمره‌ی عقبه قربانی‌اش را انجام می‌دهد، سپس سرش را کوتاه می‌کند، یا اگر مرد است سرش را می‌تراشد و بانوان به اندازه‌ی یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کنند. با این کار حاجی تحلیل اول را انجام می‌دهد و از احرام بیرون می‌آید و همه‌ی کارها به جز جماع با همسرش بر وی حلال می‌شود. سپس به مکه می‌رود و طواف و سعی حج را انجام می‌دهد و سپس تحلیل دومش هم کامل شده و همه‌ی چیزهایی که به سبب احرام بر وی حرام شده بود دوباره برایش حلال می‌گردد.

سنت این است که پس از رمی و تراشیدن سرش وقتی می‌خواهد برای طواف به مکه برود، از خوش‌بویی استفاده کند، زیرا عائشه ـ رضی الله عنها ـ می‌گوید: من پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را پیش از آنکه احرام کند و پس از آنکه از احرام خارج می‌شد پیش از طواف خوش بو می‌کردم به روایت بخاری (۱۵۳۹) و مسلم (۱۱۸۹).

پس از طواف و سعی به منی بر می‌گردد و شب یازدهم و دوازدهم در آنجا می‌ماند و جمرات سه‌گانه را در این دو روز پس از زوال خورشید (وقت نماز ظهر) به جای می‌آورد. بهتر آن است که در حال پیاده رمی کند اما اگر سواره رمی کند اشکالی ندارد. نخست جمره‌ی اول که دورترین جمره از مکه است را با هفت سنگریزه‌ی پی در پی رمی می‌کند و با هر سنگریزه تکبیر می‌گوید، سپس اندکی جلو می‌رود و به مدتی طولانی هر دعایی که خواست می‌کند، اما اگر ایستادن و دعا برایش سخت بود هر اندازه که توانش را دارد، حتی اندکی دعا می‌کند تا سنت را انجام داده باشد.

سپس جمره‌ی میانی را با هفت سنگریزه‌ی پشت سر هم می‌زند و با هر بار پرتاب سنگریزه‌ها تکبیر می‌گوید، و پس از پایان رمی به سمپ چپ می‌رود و رو به قبله دستانش را به دعا بلند می‌کند و اگر توانست مدتی طولانی به دعا می‌ایستد و گرنه در حد توان دعا می‌کند و شایسته نیست ایستادن برای دعا را ترک کند زیرا این کار سنت است و بسیاری از مردم از روی نادانی یا اهمال آن را ترک می‌کنند. هر چه سنت بیشتر ترک شده باشد انجام و انتشار آن میان مردم بیشتر مورد تاکید است تا از بین نرود.

سپس جمره‌ی عقبه را با هفت سنگریزه‌ی پی در پی می‌زند و همراه با هر سنگریزه تکبیر می‌گوید و پس از پایان بدون آنکه دعا کند می‌رود.

پس از پایان رمی جمار در روز دوازدهم اگر خواست تعجیل می‌کند و از مِنی خارج می‌شود و اگر خواست تاخیر می‌کند و شب سیزدهم در آنجا می‌ماند و سپس بعد از زوال روز سیزدهم جمرات سه‌گانه را مانند روز گذشته رمی می‌کند. تاخیر و ماندن شب سیزدهم بهتر است و در صورتی واجب می‌شود که پس از غروب روز دوازدهم در منی باشد که در این صورت لازم است تا رمی جمرات سه‌گانه پس از زوال روز بعد صبر کند. اما اگر بدون اختیار وی خورشید روز دوازدهم غروب کرد و وی همچنان در منی بود مثلا بار سفر را بسته بود و سوار وسیله‌ی نقلیه بود اما به سبب ترافیک و ازدحام تا غروب در منی باقی ماند در این صورت لازم نیست که حتما تاخیر نماید زیرا ماندنش تا غروب به اختیار وی نبوده است.

و هر گاه خواست از مکه به سوی سرزمین خود خارج شود حتما پیش از رفتن طواف وداع را انجام می‌دهد زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: کسی قصد رفتن نکند مگر آنکه آخرین عهد وی با خانه [کعبه] باشد به روایت مسلم (۱۳۲۷) و در روایتی دیگر می‌فرماید: مردم امر شده‌اند که آخرین عهدشان با خانه [کعبه] باشد، جز آنکه برای حائض تخفیف قرار داده شده است به روایت بخاری (۱۷۵۵) و مسلم (۱۳۲۸).

بنابراین زنی که در عادت ماهیانه یا خون‌ریزی پس از زایمان است طواف وداع بر وی لازم نیست و درست نیست که برای وداع کنار در مسجدالحرام بایستد زیرا چنین چیزی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نقل نشده است.

هنگامی که شخص قصد سفر و بازگشت به سرزمینش نمود آخرین کاری که نزد خانه کعبه انجام می‌دهد طواف است، اما اگر پس از طواف وداع برای انتظار دوستانش یا جمع کردن وسایلش منتظر بماند یا چیزی را در راه خریداری کند اشکالی ندارد و نیازی به انجام دوباره‌ی طواف نیست، مگر آنکه نیت کند بازگشتش را به تاخیر اندازد، مثلا در آغاز روز طواف وداع نماید سپس سفرش را تا پایان روز به تاخیر بیندازد که در این صورت باید طواف را دوباره تکرار کند تا آخرین کارش نزد خانه باشد.

نکته

کسی که برای حج یا عمره احرام نموده باید موارد زیر را رعایت کند:

۱ـ باید به شرایع دینی که خداوند برای وی واجب کرده مانند نماز در وقت آن همراه با جماعت پایبند بماند.

۲ـ از رفتار و کردار و گفتار زشت و سرکشی دوری کند، چرا که الله متعال می‌فرماید:

فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلاَ رَفَثَ وَلاَ فُسُوقَ وَلاَ جِدَالَ فِي الْحَجِّ [بقره: ۱۹۷]

(پس هر کس در این [ماه] ها حج را [بر خود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج همبستری و گناه و جدال [روا] نیست).

۳ـ در مشاعر حرام و دیگر اماکن از آزار رساندن به مسلمانان با گفتار و کردار خودداری کند.

۴- از همه‌ی ممنوعات احرام دوری کند:

الف) چیزی از مو یا ناخن‌های خود را برندارد. اما در آوردن خار از بدن اشکالی ندارد حتی اگر موجب بیرون آمدن خون شود.

ب) پس از احرام از عطر و خوش بویی بر روی لباس یا بدن یا خوراک و نوشیدنی‌اش خودداری کند و از صابون خوش بو استفاده نکند. اما اثر عطری که قبل از احرام استفاده کرده اشکالی ندارد.

ج) شکار را نکشد.

د) با همسر خود همبستری نکند.

ه) کارهایی مانند لمس و بوسیدن از روی شهوت انجام ندهد.

و) خود عقد نکاح نبندد و برای کسی عقد نکاح نبندد و برای خود و دیگری خواستگاری نکند.

ز) دستکش به دست نکند؛ اما پیچاندن پارچه به دور دست اشکالی ندارد.

این هفت مورد برای مرد و زن ممنوع است.

اما مواردی که مخصوص مردان است:

ـ سر خود را با چیزی که مستقیما بر روی آن قرار می‌گیرد نپوشاند (مانند کلاه و دستمال و...)، اما قرار گرفتن در زیر سایه‌ی چتر و سقف اتوموبیل و خیمه و آوردن سایه بان برای وی اشکالی ندارد.

ـ پیراهن و عمامه و برنس (نوعی لباس که کلاه سرخود دارد) و شلوار و خُف (پاپوش) نپوشد. اما اگر ازار نیافت می‌تواند شلوار بپوشد، و اگر نعلین نیافت می‌تواند پاپوش به پا کند.

ـ هر آنچه در معنای موارد پیشین است نپوشد، مانند عبا و قبا و کلاه و زیرپوش و مانند آن.

ـ پوشیدن نعلین (دمپایی) و انگشتر و عینک و گوشی و به دست کردن ساعت و انداختن ساعت به دور گردن و استفاده از کمربند برای بستن کیف جایز است.

ـ استفاده از صابون و استحمام با مواد غیر خوشبو و شستن سر و چنگ زدن سر برای شستشو جایز است حتی اگر بدون قصد باعث ریختن مو شود.

ـ زن در حال احرام نقاب نمی‌پوشد. نقاب یعنی روبنده‌ای که با آن صورتش را می‌پوشاند و جلوی چشمانش دو سوراخ است. همینطور پوشیدن برقع در حال احرام جایز نیست. سنت این است که زن چهره‌ی خود را در حال احرام نپوشد مگر آنکه مردان نامحرم او را ببینند که در این صورت باید چهره‌ی خود را در حال احرام و غیر آن بپوشاند.

مراجعه نمایید به کتاب مناسك الحج والعمرة اثر شیخ آلبانی رحمه الله و کتاب صفة الحج والعمرة و کتاب المنهج لمرید العمرة والحج اثر شیخ ابن عثیمین رحمه الله.